

# هر چیزی به چیزی...!

از: دکتر عزیزاله سلیم پور  
نیس - فرانسه

و اینهم جواب تاکنون نفرستاده من:

فریدون عزیز، در ایمیل اخیرت از من خواسته ای تا دیگر به این مکاتبه ادامه ندهیم. چرا که نگران آن هستی که گفتگوها، دوستی مان را تیره کند. این طور نیست و من با نظر این تو موافق نیستم. اگر گفتگوئی بین دو دوست باعث تیرگی روابط آنان گردد، باید فکر کرد که آن دوستی بقدر کافی صمیمی و پایه دار نبوده است که خوشبختانه در مورد تو و خودم، من کوچکترین نگرانی ندارم. در میان دوستان فرانسوی ام، هستند حتی مردهائی که با همسرانشان به حزب های متفاوت رأی میدهند و نظرات سیاسی شان کاملاً مخالف یکدیگر است ولی با این وجود همدیگر را عاشقانه دوست میدارند و با هم صمیمانه زندگی میکنند. منظور از بحث عوض کردن نظر طرف مقابل نیست بلکه بهره برداری از نگاههای یکدیگر از زاویه های مختلف میباشد.

به این ترتیب است که ایمیل ۱۵ مارس تو بنظم بسیار جالب آمد و نمیتوانم بخود اجازه دهم که آنرا بی جواب بگذارم.

در وهله اول بتو تبریک میگویم که روانشناسی را آموخته و هیپنوتیزم را تجربه کرده ای چرا که همین بما کمک خواهد کرد که یکدیگر را بهتر درک کنیم.

تو میگویی وسواس من نسبت به اعراب که تو هیچگونه سمپاتی نسبت به آنان نداری تو را مجبور میکند تا «جوابهای غیر قابل انکار را در مورد اسرائیل مطرح کنی. اولاً میخواهم بدانی که من نسبت به اعراب هیچگونه دشمنی ندارم بلکه نسبت به آنان سمپاتی هم دارم. در دوران تحصیل دانشجویان عرب بسیار بودند و خیلی از آنان هنوز از دوستان صمیمی ام هستند. آخرین باری که با همسر و فرزندانم به تونس رفتیم توسط یکی از آنها و خانواده اش شاهانه از ما پذیرائی شد. وقتی از کشورهای عربی صحبت میکنم و ایرادی میگیرم از رژیم آنهاست نه ملت هائی که خود قربانی این رژیمهای قهار و سودجو هستند. تو میتوانی این موضوع را در تمام نوشته های من تحقیق کنی.

فریدون جان، تو مینوسی هیچگونه سمپاتی نسبت به اعراب نداری، ولی تحمل نمیکنی که من از آنها انتقادی بکنم! راستی چرا؟

این حرف تو مرا به یاد پدران و مادرانی میاندازد که بخودشان اجازه میدهند فرزند خود را تنبیه کنند ولی به «غیره» اجازه نمیدهند به او چپ نگاه کند! فریدون جان، من غیره نیستم و بتو یادآور میشوم که اجداد من از ۲۷۰۰ سال پیش تاکنون علیرغم تمام سختی ها، توسری خوردن ها، جبر و ستم ها که در

قریب دو ماه پیش با دوست عزیزم فریدون مکاتبه ای دوباره داشتیم که بعد از تفکر زیاد تصمیم به فرستادن آن برای مجله پیام گرفتم؛ علت این تردید درخواست او به توقف در ادامه این مکاتبه ها بود، زیرا نگران اثر منفی آن بر دوستیمان میباشد. امروز اگر آنرا برای چاپ در پیام مینویسم بخاطر آن است که خود او نیز آخرین جواب مرا در آن بیابد و مطمئنم پس از گذشت دو ماه اثر منطقی اش بر اثر عاطفی اش بچربد!

شروع این مکاتبه ها، ایمیلی بود از طرف من تحت عنوان برده فروشی سیاهان توسط اعراب! یک ایمیل مستند و تکان دهنده که شاید بعضی از شما نیز آنرا دیده باشید و از جنایات برده فروشی سیاهان توسط اعراب پرده برمیدارد. لذا از نظر دانستن برای هر عرب و غیر عربی آموزنده و جالب است.

در جواب فریدون نوشت: «سپاسگزارم. خیلی شرم آور و وحشتناک است. این کاملاً همان چیزی است که شش نفر از رؤسای سابق موساد در مورد رفتار حکومت اسرائیل نسبت به فلسطینیان میگویند!»

به او نوشتم: «فریدون جان، گوئی تو نسبت به اسرائیل یک گونه وسواس داری!» و اضافه کردم: «تعریف وسواس در دیکشننر لاروس چنین است: «وسواس اسم مفرد و یا صفت کسی است که طعمه یک فکر و اندیشه واحد و دائمی باشد.»

جواب دوباره فریدون: «دوست عزیز، من نیز روانشناسی را آموخته و هیپنوتیزم را تجربه کرده ام. میخواستم به تو بگویم که وسواس تو نسبت به اعرابی که من نسبت به آنها هیچگونه سمپاتی ندارم مرا وادار میکند تا جوابت را با شاهدهای غیر قابل انکار و تأیید شده از طرف ۱۶۰ کشور در مورد اسرائیل بدهم. در هر دو مورد برده فروشی با اندکی کم و زیاد غیر قابل قبول است.

عزیزاله: «فریدون عزیز، آخرین ایمیل تو شایسته جوابی مفصل است که امیدوارم پس از فراغت ایام عید نوروز برایت بفرستم.»

فریدون: «دوست من، گوش کن. بهتر است از این موضوع دوری کنیم. تو یک عقیده های ثابتی داری و همانگونه که در روانشناسی میگویند یک نفر Self Denial هستی. تو خود از من بهتر میدانی که در چنین شرایطی هیچکس نمیتواند عقیده تو را عوض کند تا حقایق را ببینی و قدرت آن را نداری که آنچه غیر قابل قبول و مخالف اخلاق است را محکوم کنی. پس لطف کن و موضوع مذاکره بین ما را عوض کن. چرا که بدرد نمیخورد و خطر خدشه زدن به دوستیمان را خواهد داشت.

با احساسات دوستانه - فریدون»

اثر آن خیلی از زرتشتیان و یهودیان ایرانی مذهب اعراب را قبول کردند، توانستند هویت خود را نگه دارند و از آن حفاظت کنند. تو خود بهتر میدانی که در عکس العمل فشارهای زیاد چگونه فردوسی شاعر و حماسه سرای بی همتای ایرانی میسراید:

ز شیر شتر خوردن و سومار  
عرب را بجائی رسیده است کار  
که تاج کیانی کند آرزو  
تفو بر تو ای چرخ گردون تفو

امروز نیز یهودیان ایرانی در هر گوشه جهان به ایرانی بودن خود افتخار میکنند و کوشش میکنند برای شناساندن فرهنگ و هنر کم نظیرش کوشا باشند. (به ایمیل ریتا در سازمان ملل چند روز پیش رجوع کن.)

من از اعراب بصورت فردی سخن نمیگویم، من از رژیم های خودکامه و قهقرائی اعراب صحبت میکنم، مخالفت با نازیسم به معنای دشمنی با آلمانی ها نیست بلکه مخالفت با یک سیستم سیاسی است. شاید بدانی دختر زیبائی که در ارکستر سمفونیک در کنار من می نشیند یک آلمانی است. او حتی از من بیشتر ضد نازیسم و از آن شرمسار است. آنچه باعث عقب افتادگی ملل عرب و مسلمان در جهان شده، رژیم های دیکتاتوری حاکم بر آنانند. تو برای من چهار تا کشور عرب را نام ببر که از رژیم های مردمسالاری بهره مندند. علتش را خود اعراب باید جستجو کنند، چرا گهگاه در کشورهای آزاد چون آمریکا و یا اروپا اعتراض خود را با رژیمهای قهار و استبدادی حاکم در کشورهایشان بگوش آزادمردان و زنان جهان میرسانند و علناً نمیگویند با جنایاتی که تحت لوای پرچم اسلام و با فریادهای الله و اکبر و یا لا اله الا الله انجام میگردد مخالفتند؟

تو به اصطلاح سعی میکنی با محکوم کردن اسرائیل مرا سر جایم بنشانی، برای چندمین بار فریدون جان تو را یادآور میشوم من اسرائیلی نیستم، من یک نفر ایرانی یهودی هستم که ملیت فرانسوی را قبول کرده ام. من سه هویت دارم که به هر سه آنان افتخار میکنم و برای بالا بردن هر سه کوشش میکنم. فیلمهای پزشکی من که در فرانسه، سوئیس و کانادا به پزشکان جوان آموخته میشوند بعنوان یک محصول فرانسوی شناخته میشوند. هنگامی که در میان دوست و غیره از فرهنگ ایران سخن میگویم یا چیزی در موردش مینویسم به ایرانی بودنم افتخار میکنم و هر گاه از ارزشهای اخلاقی یهودیت که میگوید هم نوع خودت را مانند خودت دوست بدار دفاع میکنم دلیل دفاع بلاشرط من از سیاستهای دولتهای مختلف اسرائیل نیست!

یادآور میشوم که این خود من بودم که در هنگام سفر اخیرم به اسرائیل ایمیل مربوط به شش نفر از رؤسای سابق موساد را برایت فرستادم. تو خود میدانی که این فیلم در خود اسرائیل و

بدون هیچگونه سانسور ساخته شده است. در ضمن حتماً میدانی که تا سال ۱۹۶۷ «غزه فلسطینیان»، مصر - و ماوراء اردن، اردن، هاشمی نام داشت.

بهر حال امروز اعراب ساکن فلسطین در اسرائیل و با اسرائیلیان در صلح و صفا بسر میبرند و نمایندگان عرب در مجلس اسرائیل و در مسافرتهایشان در کشورهای دشمن اسرائیل از این کشور و دولت آن انتقاد میکنند. بدون اینکه در بازگشتشان کوچکترین نگرانی داشته باشند.

فریدون عزیز، من نمیگویم که رهبران کشور اسرائیل فرشته هستند و اشتباه نمیکنند. زنهار. مسلماً رفتار آقای نتانیاها (از نظر شخص من غیر اسرائیلی) افراطی و راهش خطاست ولی مقایسه رفتار اینان با برده فروشانی که کودکان بیگناه را اخته میکردند تا آنها را که به علت ۸۰ درصد مرگ و میر پس از این عمل وحشیانه بعنوان متاعی کمیاب در می آمدند به قیمت گزاف به حرم داران عرب بفروشد، انصاف نیست. خدا رحمت کند ملا شیمعون اصفهانی را که بقول پسر عمه ام آقای نوراله ساقیان موعظه های خود را همیشه با این جمله آغاز میکرد: «هر چیزی به چیزی.» فرانسوی ها هم همین جمله را به زبان دیگری بیان میکنند.

### Comparaison n'est pas raison

مقایسه کردن چیزی را ثابت نمیکند.

و اما بطور کلی من که مانند تو یک دیپلمات نیستم و از آموزش آن بهره ای نبرده ام فکر میکنم هنر دیپلوماسی پیشگیری از جنگها و خونریزی ها است.

تو میگوئی ۱۶۰ کشور اسرائیل را محکوم میکنند. شاید!

ولی با این وجود، متمدن ترین کشورها با اسرائیل روابط فرهنگی، علمی، ورزشی، ادبی، و ... دارند.

تصور میکنم که سران کشورهای عربی تا ابد نتوانند از اسرائیل بعنوان لولوخورخوره استفاده کنند تا بهتر از شهروندانشان بیگاری بکشند و ثروت و مالشان را به غارت ببرند. اختلافات و دشمنی فلسطینیان با اسرائیلیان بیشتر از اختلاف و دشمنی آلمانی ها با فرانسوی ها در گذشته نیست.

دیر یا زود آنها هم با هم صلح خواهند کرد و فرزندانشان در کنار هم طعم صلح و خوشبختی را خواهند چشید. به امید آنروز دستت را صمیمانه می فشارم.

عزیزاله - نیس، مارس ۲۰۱۳